

شهید صدر

واحیاگری در حوزه نجف

حجت الاسلام والمسلمین شیخ محسن اراکی*

در آن هنگام که نهضت بیداری اسلامی، می‌بایست رهبری فکری جامعه را به عهده می‌گرفت، راه حل‌های مناسب و راه‌گشا را در برابر مشکلات انسان معاصر عرضه می‌کرد و نظامی هماهنگ و همگام با خواسته‌های عصر حاضر معرفی می‌نمود، بسیاری از اندیشمندان اسلامی فعالانه در این زمینه شرکت نمودند؛ ولی آنچه شهید صدر تقدیم کرده بود - هم از نظر برنامه ریزی و هم از نظر محتوا - قوی‌تر، گسترده‌تر و عمیق‌تر به شمار می‌رفت. اکنون پس از گذشت حدود نیم قرن از آنچه شهید صدر ارائه نموده، هنوز کسی از اندیشمندان مسلمان پیدا نشده است که دست کم نزدیک به سطح افکار و خدمات مکتب شهید صدر، محصولی فرهنگی برای حل مشکلات انسان معاصر در ابعاد فلسفی، اقتصادی و اجتماعی تقدیم جامعه کند. افکار بیدارگر شهید صدر، توانست مقدار زیادی از خلا فکری موجود در نهضت بیداری اسلامی را پر کند. از این رو، سزاوار است که استاد شهید صدر را یگانه رهبر اندیشمند و نظریه پرداز نهضت بیداری اسلامی بدانیم؛ هر چند در این فرصت کوتاه، امکان معرفی آثار بزرگی که مکتب فکری شهید صدر برای جامعه اسلامی - به ویژه شیعیان - بر جای نهاد، وجود ندارد؛ اما کسی که تحولات فکری جامعه اسلامی را به ویژه در اواخر قرن بیستم دنبال کند، آثار تفکر نوگرایانه شهید صدر را بر جامعه مسلمان - به ویژه در بعد فلسفی، اقتصادی و فقهی با گرایش به علم اصول - در خواهد یافت.

آنچه در پی می آید، معرفی اجمالی این شخصیت فرزانه و اشاره مختصری به کوشش های آن شهید در جهت فعالیت های زیر بنایی برای ساختار فکری امت اسلامی است.

نگاهی گذرا به زندگی شهید صدر

مرحوم شهید صدر در شهر کاظمین عراق و در ۲۵ ذی القعدة سال ۱۳۵۳ هجری به دنیا آمد.^۱ پس از پایان دروس ابتدایی در کاظمین، به نجف اشرف رفت. به نظر می رسد درسش را خارج از روش معمولی و به طور جهشی و با اتکا به استعداد های شخصی خواند. در سنین ابتدایی مراحل عالی را طی نمود و در نجف دروس حوزوی را که از کاظمین آغاز کرده بود، ادامه داد. در ابتدای ورود به نجف پای درس خارج حاضر شد.^۲ در آن زمان هنوز دوازده سال تمام نداشت. او در ابتدای بلوغ تقلید نمی کرد و این نشان دهنده آن است که در آن سن و سال مجتهد و یا قریب الاجتهاد بوده است.^۳ یکی از فقهای بزرگ نجف در آن زمان که شهید صدر هفده سال داشت، بر اجتهاد وی تصریح کرده بود.^۴

شهید صدر دروس حوزوی خود را نزد اساتید بزرگی در «جامعة النجف الاشرف» ادامه داد. استادان شهید، به برتری و نبوغ و اجتهاد وی اعتراف می نمودند.

در سن نوجوانی تدریس و تالیف را آغاز نمود. وی بعضی دیدگاه ها و آرای اصولی خود را در نخستین تالیفش به نام «غایة الفکر فی علم اصول الفقه» ارائه کرد و همزمان با آن، محصول علمی دیگری به نام «فدک» در تاریخ تالیف نمود. در این اثر حوادث تاریخ اسلام پس از رحلت پیامبر (ص) را به بحث گذارد.

پس از آن، در تدارک تالیف مجموعه ای بر آمد که افکار عقیدتی - سیاسی اسلام را متناسب با نیازهای روز و در قالبی عملی طرح کند و اسلام را از بُعد سیاسی و منطق و روش اداره جامعه چنان به دنیای امروز معرفی کند که استحکام طرح آسمانی را برای انسان زمینی روشن سازد و شکست و ناتوانی تمام مکاتب و ایسم های زاینده فکر بشر و مکتب های مادی را که رابطه انسان را با وحی قطع می کند، آن را زمینی و زمین گیر می سازد و راه رستگاری و کمال مطلوب را بر او می بندد، آشکار نماید. از این رو، نخستین گام خود را با کتابی به نام «فلسفتنا برداشت»؛ کتابی که در آن با سبکی بی نظیر و بی سابقه، به تبیین تفکر اسلامی پیرامون فلسفه می پردازد و مکتب های فلسفی دیگر را به نقد و بررسی می گذارد و قدرت منطق اسلام و استحکام و برتری فلسفه اسلامی را ثابت می کند. و از طرفی سستی و عجز فلسفه مادی را در رویارویی با فلسفه اسلامی از راه دلیل و برهان ثابت می کند.



شهید صدر، بعد از این اثر، کتابی دیگر به نام اقتصادنا به اندیشمندان عرضه نمود. وی در این کتاب، مکتب های اقتصادی جدید را بررسی کرده و میان آنچه تمدن مادی معاصر برای بشر به ارمغان آورده است، از یک سو و اقتصاد اسلامی و راه حل هایی که برای زندگی انسان معاصر دارد، از سوی دیگر مقایسه ای انجام داده است. در این بحث ها ضعف های بزرگ اقتصاد مادی (سرمایه داری و کمونیستی) ذکر شده و برتری اقتصاد اسلامی بر اقتصاد مادی با دلیل و برهان ثابت گردیده است.

الشیخ محمد باقر الصدر

اقتصادنا



جمهوری اسلامی ایران

شهید صدر علی رغم استقبالی که از کتاب اقتصادناى او به عمل آمد و با این که در این کتاب، بحث های اقتصاد اسلامی را عمیق و ریشه ای و در قالبی جدید ارائه کرده است - به گونه ای که در آینده می توان روی این مباحث اساسی، بنایی محکم برای اقتصاد اسلامی برپا نمود - متواضعانه این سعی و کوشش فکری خود را گامی ابتدایی نامیده است؛ وی در مقدمه چاپ اول کتاب اقتصادنا گفته است:

«در مقدمه کتاب فلسفتنا به شما عزیزان گفته بودیم که فلسفتنا بخش نخست از سلسله بحث های اسلامی است که برای پاسخ به نیاز جامعه مسلمانان نوشته شده و به مانند زیر بنا و پایه بحث های بعدی است. پس از آن، سلسله بحث های دیگری در پی خواهد آمد که مکمل نیاز جامعه در این زمینه ها باشد و در نهایت ترسیمی زیبا از اسلام در اذهان نقش بندد. امیدوار بودم که کتاب مجتمعا حلقه دوم از سلسله بحث هایی باشد که در آن، تفکر و دیدگاه اسلام درباره انسان و زندگی اجتماعی ارائه شود و

الشیخ محمد باقر الصدر

فلسفتنا

مقدمه و توضیح در خصوص فلسفه اسلامی و اقتصاد اسلامی
تأليف: الشیخ محمد باقر الصدر
الاسلامیة والائتلاف والائتلاف والائتلاف
(الاسلامیة)



جمهوری اسلامی ایران

آنگاه به مرحله سوم گام بگذاریم که در آن، از نظام حیات بخش اسلام و افکار اجتماعی آن بر پایه آموزه های پایدار اسلام بحث کنیم؛ اما تمایل مصرانه خوانندگان، جهت تقدیم کتاب اقتصادنا بر کتاب مجتمعا و نیز تعجیل آنان برای آگاهی تفصیلی از مباحث اقتصادی اسلام، فلسفه اقتصاد، راه و روش اقتصاد و آموزه های اقتصاد اسلامی باعث شد که این کتاب زودتر نوشته و چاپ گردد.^۵

هر چند این مجموعه بحث های سلسله وار در همین جا متوقف شد؛ این به معنای توقف تمام





تالیف های شهید صدر نبود؛ زیرا پس از اقتصادنا تا زمان شهادتش کتاب های فراوانی را تالیف کرد؛ مانند البنك اللارویی فی الاسلام، درس فی علم الاصول، الفتاوی الواضحة و الأسس المنطقیة للاستقراء. شهید صدر در کتاب الأسس المنطقیة للاستقراء که از بزرگ ترین ثمره های فکر بشر در قرن بیستم و مهم ترین اثر از لحاظ تفکر فلسفی و منطقی به شمار می رود، پایه هایی را در علم منطقی بنا نهاد و به نظریه «المنطق الذاتی» دست یازید. این نظریه در بردارنده قواعد و ضوابطی برای

رسیدن به یقین استقرایی است؛ یعنی از سوئی یقین استقرایی را تحلیل می کند، از سوی دیگر فرق های منطقی میان یقین استقرایی و یقین برهانی و استدلالی را بیان می سازد و از سوی سوم مبنای فلسفی برای یقین استقرایی تعیین می نماید.

با تالیف این کتاب، عمر حاکمیت منطق ارسطویی بر تفکر فلسفه اسلامی به پایان می رسد و مرحله جدیدی در فلسفه اسلامی آغاز می شود. در این کتاب منطق ارسطویی جایگاهی ندارد مگر بسیار اندک.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شهید صدر شروع به تالیف مجموعه ای بر پایه تفکر و اندیشه اسلامی نمود. در این مجموعه، مشکلات و گرفتاری های جامعه معاصر همراه با راه حل ها ارائه شده است که از مهم ترین آن ها، پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود. فقیهان مجلس خبرگان اول که از سوی ملت ایران برای تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انتخاب شده بودند، از متن این پیش نویس بهره کافی بردند.

از مهم ترین نوآوری های شهید صدر، تغییرات گسترده در نحوه آموزش در حوزه های علوم دینی بود. نوآوری وی در فقه و اصول هم - چه از لحاظ برنامه و چه از جهت محتوا - کم نظیر بود. شهید صدر پایه های مکتب فقهی و اصولی جدیدی را بنا نهاد که امتیازش به برنامه ریزی، استحکام مضامین مبتنی بر تفکر عمیق و نقد پذیری فعال و سازنده است.

افکار نوگرا و پویای شهید صدر در حوزه فرهنگی جدید و سنتی (کلاسیک) زمینه ساز آغاز نهضت بیدارگری فرهنگی شد که به تدریج در کشورهای مختلف اسلامی به ویژه عراق و ایران گسترش یافت. این اندیشه ها در تربیت و تقویت تفکر فرهنگی مسلمانان برای مقابله با هجوم

التبانی الاربوی

فی الاستقراء

المؤلف: شهید صدر
مترجم: دکتر آیت الله العظمی بروجردی

دارالانتشارات الطهرانی
تهران - لبنان

فرهنگی بیگانگان و زمینه سازی جهت فعالیت های سیاسی منظم و هدفمند برای ایجاد جامعه و نظام اسلامی بر پایه قرآن مجید، بسیار مؤثر بود.

پیشرفت نهضت فرهنگی اسلامی، مرهون فعالیت های شهید صدر است. وی این حرکت را از حالت انفعالی و سرخوردگی به حالتی فعال و برضد هجوم فرهنگی دشمنان تبدیل نمود و از حالت دفاعی به حالت تهاجمی در آورد. شهید صدر در همه این مراحل، نقش فرماندهی فعال را داشت که در تنویر افکار و تربیت نسل جوان، پر تحرك و پر شور و بسیار اثر بخش بود. او در ایجاد گروه های علمی، تربیت مبارزان و فعالان سیاسی، جنبش های اسلامی و تأسیس «التنظیم الاسلامی الحرکی» و رشد و توجیه آنان نقش اول و سرنوشت سازی داشت. وی در تحرك حوزه علمیه نجف و تبدیل آن به حوزه ای فعال، سیاسی، با نشاط و متفکر تأثیر به سزایی داشت.

مراکزی که در نجف و کل عراق منتسب به شهید صدر بودند، پایگاه های فعالیت و روشنفکری و هدایت فکری و سیاسی به شمار می رفتند. از این رو، تشکل ها و مراکزی مانند «جماعة العلماء»، «الرابطة الادبیة»، «مدرسة العلوم الاسلامیة»، «منتدی النشر»، «مدرسة الامام الجواد(ع)»، دفتر مرجع راحل آیت الله سید محسن حکیم، مؤسسات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیر نظر ایشان و همه جریان های فعال اسلامی با سلیقه های مختلف از افکار، هدایت ها و ارشادهای شهید صدر تغذیه می شدند.

شهید صدر، پس از ارتحال آیت الله سید محسن حکیم، از طریق ارتباط با علمای شهرستان ها و شخصیت های سیاسی و فرهنگی، رهبری ملت مسلمان عراق را به عهده گرفت و به همین منظور دفتری تأسیس نمود. وی پیش از آن که مرجعیت را به عهده گیرد، طرحی کامل و جامع برای مرجعیت تدوین نمود که نخستین طرح نظری و دستور العمل کامل و جامعی بود که تاریخ مرجعیت شیعه به خود می دید. این طرح، اساسنامه ای بود که رشد و پیشرفت هدفمند مرجعیت را در بر داشت!^۶

مرجعیت شهید صدر با پیروزی انقلاب اسلامی همزمان بود. او نخستین کسی بود که با تمام توان از انقلاب اسلامی ایران حمایت و پشتیبانی کرد. علی رغم موقعیت اجتماعی و علمی ای که داشت، خود را شرعاً ملزم می دانست که از امام خمینی(ره) اطاعت کند، او را یاری دهد و با تمام قدرت از انقلاب اسلامی ایران حمایت نماید. او شاگردان و پیروان خود را نیز به این امر سفارش می کرد و در نامه ای که به شاگردان خود در ایران نوشته بود، با صراحت تمام بر این مطلب تأکید نموده است:



«بریکایک شما و بر هر کسی که سعادت یارش شده که در کنار این تجربه ارزشمند (انقلاب اسلامی ایران) زندگی کند، واجب است که تمام توان خود و آنچه را که در اختیار دارد، به خدمت اهداف و پیشبرد این تجربه ارزشمند در آورد و توقفی در کار نباشد. حد و مرزی برای بذل کوشش وجود ندارد و به کمک همه افراد هر چند اندک نیاز است. لازم است همه بدانند که مرجعیت آیت الله خمینی - که آمال و آرزوی همه را امروزه در ایران محقق نموده است - باید محور قرار گیرد و همگی مخلصانه برای او کار کنند و مصالح او را در نظر گیرند. همه در او ذوب شوند؛ همچنان که او در هدف و الایش ذوب شده است. مرجع شایسته و لایق، یک شخص نیست بلکه جریان است و هدف و هر مرجعی که این اهداف را محقق کند، لایق اطاعت و پیروی و شایسته مرجعیت است و باید برای او با تمام وجود کار کرد و از هر کاری که سبب تضعیف مرجعیت و رهبری در ایران می شود، باید دوری جست».^۷

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شهید صدر بر فعالیت های سیاسی خود جهت ایجاد انقلابی اسلامی افزود و ملت عراق را با جلساتی که داشت و پخش نوار سخنرانی هایش و فرستادن نامه هایی به نمایندگان خود در شهرستان های عراق و خارج از عراق به قیام و انقلاب برضد یعنی های حاکم دعوت می کرد و ضرورت فعالیت و کوشش برای تطبیق احکام اسلام را در تمامی سرزمین های اسلامی گوشزد می نمود. همچنین بر وجوب و ضرورت قیام و فداکاری و از خودگذشتگی در راه نصرت دین و دفاع از مظلومان و مستضعفان تاکید می ورزید. در این زمینه، اعلامیه های سه گانه شهید صدر به ملت عراق مشهور است که به گوشه هایی از این اعلامیه ها و نامه ها اشاره می شود:

نامه اول در تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۹۹ هـ. ق:

«ای ملت پدرانم و اجدادم، با تاکید می گویم: من همیشه با شما خواهم بود، در میان شما خواهم ماند، از شما هرگز جدا نخواهم شد و تا آخرین قطره خونم را برای شما و در راه خدا بذل خواهم کرد. دوست دارم به مسئولان مؤکداً بگویم: این محنتی که با زور اسلحه و سرنیزه بر ملت عراق تحمیل شده و او را از حداقل حقوق و آزادی هایش محروم کرده و از انجام مراسم مذهبی جلوگیری نموده است، ادامه نخواهد داشت و همیشه نمی توان با تکیه بر زور و اسلحه و سرکوب بر مردم حکومت کرد! اگر زور همیشه راه حل بود، حکومت فراعنه و ستمگران همچنان پایدار و برقرار می بود. پخش اذان را از رادیو قطع کردند، صبر کردیم؛ پخش نماز جمعه را از رادیو قطع کردند،



صبر کردیم؛ مراسم عزاداری امام حسین(ع) را تحت نظر گرفته و بخش فراوانی از مراسم را ممنوع کردند، صبر کردیم؛ مساجد را محاصره نموده و جاسوسان و نیروهای امنیتی را در آن مستقر کردند، صبر کردیم؛ مردم را مجبور کردند که به عضویت حزب بعث در آیند، صبر کردیم؛ گفتند دوران انتقال قدرت است باید ملت را بسیج و همه سرباز شوند، صبر کردیم؛ اما تا به کی؟! دوران انتقال قدرت تا کی ادامه خواهد داشت؟! اگر مدت ده سال برای ایجاد جو مناسب جهت انتخاب راه صحیح و دلخواه از سوی مردم کافی نیست، دیگر چه مدتی باید صبر کرد؟! اگر مدت ده سال حکومت مطلق بر مردم، فرصت مناسب را برای پیوستن مردم به حزبشان مگر با زور سر نیزه ایجاد نکرده باشد! دیگر از مردم چه توقعی دارید؟! ... به نام شرف انسانیت از شما می خواهم، زندانیان در بند را آزاد کنید! و بازداشت های هدمند و بدون محاکمه را متوقف کنید! در پایان به نام همه شما و به نام ارزش هایی که از آن دم می زید، می خواهم که راه را بر ملت باز بگذارید تا خود سرنوشتش را رقم زند! و از طریق بر پایی انتخاباتی آزاد، نمایندگانی راستین راهی مجلسی شوند که واقعاً و جدأ نماینده ملت باشند. من می دانم که این خواسته ها بر من گران تمام خواهد شد! و به قیمت جانم خواهد انجامید! ولی این خواسته ها، خواسته های یک نفر نیست تا با مرگش خواسته ها هم بمیرند، بلکه این خواسته ها، اراده و آرزوهای ارزشمند یک امت است. اُمّتی که محمد(ص) و آل محمد و علی(ع) در اعماق جانش رسوخ کرده و هرگز نمی میرد»^۸.

نامه دوم در تاریخ ۱۰ شعبان ۱۳۹۹ هـ. ق:

«ملت عزیزم، مردم مسلمان عراق که برای دین و شرافت و آزادی و عزت خود و ارزش هایی که به آن ها ایمان دارید، غضب می کنید. ای ملت بزرگ عراق، امروز تو در حال تحمل رنج ها و سختی های طاقت فرما به دست خون ریزان و جلادانی هستی که خشم و نارضایتی ملت، آن ها را به وحشت انداخته و در حالی که با زنجیر وحشت و ارعاب، ملت را به بند کشیده اند، خیال می کنند با این کارها ملت را بی شعور کرده، عزت و شرفش را از او گرفته و او را از عقیده و دین و پیامبرش(ص) جدا کرده اند.

آن ها در پی این هستند که میلیون ها انسان شجاع و مؤمن و نجیب عراق را به مترسک و عروسک های خیمه شب بازی تبدیل کنند تا هر گونه که خودشان می خواهند به حرکت در آورند و به جای ولایت محمد و علی - علیهما السلام - ولایت عفلق و مزدوران تبشیر و استعمار را به مردم تلقین و تزریق کنند؛ ولی توده مردم همیشه قوی تر از طغیانگران بوده اند؛ هر چند زورمندان، قلدری می کردند.





حال که طغیانگران از غفلت در آمده و متوجه شدند که ملت عراق هنوز زنده است و نبضش می زند و هنوز می تواند حرفش را بزند، دست به حمله های گسترده زده و ده ها هزار نفر از مؤمنان و فرزندان شریف این کشور را دستگیر و به زندان انداخته، شکنجه و اعدام می کنند. در صف مقدّم این مؤمنان، عالمان مجاهدی هستند که یکی پس از دیگری زیر شکنجه های دژخیمان به شهادت می رسند ...

به شما فرزندانم می گویم: من عزم بر شهادت دارم و شاید این آخرین سخن است که از من می شنوید. درهای بهشت باز است تا از کاروان شهیدان پذیرایی کند. باشد که خداوند پیروزی را برای شما مقدر سازد! چه لذت بخش است جام شهادت نوشیدن. شهادتی که پیامبر(ص) درباره آن فرمود: «شهادت مقام و حسنه ای است که هیچ سیئه و گناهی به آن ضرر نمی رساند». و شهید با شهادتش تمام گناهایش را هر اندازه که باشد می شوید!

هر مسلمانی که در عراق و یا خارج از آن به سر می برد باید - حتی به قیمت جانش - هر آنچه را که در توان دارد، برای برپایی نهضت و ادامه جهاد و مبارزه به کار گیرد تا این کابوس، از سینه عراق محبوب برکنار رود و سرزمین عراق از چنگال این گروه غیر انسانی و ضد بشری برهد و سرانجام احکام بی نظیر و شایسته اسلام بر آن حکم فرما شود. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»^۹.

شهید صدر، در آخرین نامه خود که تاریخ دقیقش معلوم نیست، چنین گفته است:

«ملت عزیزم، ملت بزرگ عراق، در این شرایط سخت و دشوار به شما خطاب می کنم. مخاطب من همه گروه ها و تمام جناح ها و جریان ها و طوایف عرب، کرد، شیعه، سنی است؛ زیرا گرفتاری ایجاد شده، تمام گروه ها و مذاهب و قومیت ها را در بر گرفته و مخصوص گروه خاصی نیست. پس جهاد و مقاومت و پاسخ های قهرمانانه نیز نباید مخصوص به گروه خاصی باشد بلکه تمام ملت باید در این جهاد شرکت جویند.

من از وقتی که خودم را شناختم و مسئولیتم را در این امت متوجه شدم، وجود خود را به یکسان وقف شیعه، سنی، کرد و عرب نمودم و از رسالتی حمایت و دفاع می کنم که همه را به وحدت دعوت می کند و از عقیده ای دفاع می کنم که همه را یک جا و یکسان در بر می گیرد. با فکر و وجودم، فقط برای اسلام زنده ام؛ اسلامی که راه خلاص و رهایی و هدف همه است. من با تو هستم ای برادر و فرزند سنی ام؛ به همان اندازه که با تو هستم ای برادر و فرزند شیعه ام؛ من با شما هستم همان قدر که شما با اسلام هستید و به همان اندازه که مشعل هدایت را برای نجات عراق از کابوس سلطه و ذلت بر دوش می کشید.

طاغوت و پیروانش سعی بر این دارند تا به فرزندان شیعه و سنی مان تلقین کنند که مسئله، مسئله شیعه و سنی است تا برادران اهل سنت را از میدان نبرد با دشمن مشترك دور کنند؛ به شما می گویم: ای فرزندان علی و حسین و ای فرزندان ابوبکر و عمر، مشکل، مشکل شیعه و سنی نیست؛ علی (ع) در حکومت سنی که سَمبَلش خلفای راشدین بودند و بر اساس اسلام و عدالت بود، شمشیر برگرفته و همانند یک سرباز می جنگید. او در جنگ های «الرّدة» زیر پرچم خلیفه اول جنگید. همه ما در دفاع از پرچم اسلام با هر رنگ و مذهبی، می جنگیم و دفاع می کنیم.

حدود نیم قرن پیش، عالمان شیعه به وجوب دفاع و جنگیدن زیر پرچم حکومت سنی، فتوا دادند و صدها هزار نفر از شیعیان، خالصانه خون و جان خود را در راه دفاع از اسلام و در راه حمایت از نظام و حکومت سنی که بر پایه اسلام استوار بود، بذل نمودند. حکومت امروز عراق، حکومتی سنی نیست؛ گرچه حاکمان مسلط، خود را منتسب به تسنن می دانند...

فرزندانم، برادرانم، آیا نمی نگرید آن ها شعائر دینی را که علی و عمر با هم از آن دفاع کردند، حذف کرده و برداشتند؟! آیا نمی نگرید که کشور را سر تا سر پر از شراب و گردشگاه خوک ها و مرکز فساد و فحشا کرده اند، چیزهایی که علی و عمر با هم با آن ها مبارزه کردند؟! ... برادران و فرزندانم، از اهل موصل و بصره، از بغداد و کربلا و نجف، سامرا، کاظمین، عماره، کوت و سلیمانیه، فرزندان عراق در جای جای این سرزمین، من با شما پیمان می بندم که من برای شما و به خاطر همه شما هستم و همه شما در حال حاضر و آینده، همه چیز من هستید؛ وحدت کلمه داشته باشید؛ زیر پرچم اسلام صف های خود را فشرده کنید و برای نجات عراق از کابوس این گروه مسلط بر مقدرات مردم، برای ساختن عراقی آزاد و آباد و زیر سایه عدالت اسلامی و برای حاکم شدن کرامت و بزرگواری بر عراق تلاش کنید تا این که هموطنان با همه قومیت ها و همه مذاهب احساس کنند همه با هم برادرند، در رهبری و ساختن کشورشان سهیم هستند و آرزوهایشان جامه عمل می پوشد، آرزوهایی که ریشه در رسالت آسمانی و اُفق تاریخ بزرگ اسلام دارد. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»^{۱۰}

در عراق شایع شد که امام شهید، قصد دارد عراق را ترك کند. مردم، گروه گروه برای حمایت و پشتیبانی از سید شهید به نجف اشرف سرازیر شدند و از او خواستند تا در عراق بماند. این از یکسو به معنای بسیج ملی برای مقابله با سلطه حاکم بود و از سوی دیگر، مقدار نفوذ سید شهید در دل های ملت عراق را در مقابل دیدگان سلطه حاکم نشان می داد.



سید شهید، صلاح دانست که این حرکت فعلاً متوقف شود و ملت برای مراحل بعدی انقلاب آماده شوند.

در هفدهم رجب ۱۳۹۹ هـ. ق، حاکمان بعثی عراق شهید صدر را دستگیر نمودند. دستگیری سید شهید، سبب حرکت و بیداری و تظاهرات بزرگی در نجف اشرف به رهبری خواهر شهیدش، بنت الهدی شد که درگیری مسلحانه میان نیروهای امنیتی رژیم و تظاهر کنندگان را به دنبال داشت. همزمان در سایر شهرهای بزرگ عراق؛ همانند بصره، دیالی و کاظمین تظاهرات و درگیری رخ داد که سبب شد رژیم موقتاً شهید صدر را آزاد کند.

رژیم بعثی، پس از آن که متوجه شد، حمایت مردم از شهید صدر مانع از دستگیری وی می شود، حيله ای جدید برای مقابله با شهید به کار برد و خانه شهید را به محاصره نیروهای امنیتی در آورد و شهید صدر را در خانه خود زندانی نمود و ارتباط مردم و علمای بلاد را با شهید قطع کرد. رژیم بعثی در این کار موفق شد و پس از قطع ارتباط مردم با شهید، وی را دوباره و برای آخرین بار در تاریخ نوزدهم جمادی الاولی سنة ۱۴۰۰ هـ. ق، دستگیر نمود. بلافاصله، خواهر مظلومه اش بنت الهدی را نیز دستگیر کرد. رژیم کینه توز، پس از دستگیری سید محمد باقر صدر در این تاریخ، سریعاً او را به شهادت رساند. او در راه خدا و برای خدا شهید شد. خداوند از او راضی باشد و او را با پاداش های خود راضی گرداند.

اصلاحات زیر بنایی در اندیشه شهید صدر

در روزگاری که ستاره شهید صدر در آسمان علوم اسلامی می درخشید، شاهد مقابله محکم و پرتوانی با افکار الحادی و ضد اسلامی در بُعد فکری، سیاسی و اجتماعی بودیم. این در حالی بود که جریان های ملحد، مغزهای روشنفکران و دانشگاهیان را شست و شو داده و در میان صفوف آنها نفوذ می کردند. از سوی دیگر، گروهک های خود باخته پیرو اجانب، در صفوف فرزندان مسلمان نفوذ کرده و افراد لایق و شایسته را به صورت پیاده نظام به خدمت اجنبی های دشمن امت اسلامی عضوگیری می کردند. این وضعیت به حدی بود که جوانان مسلمان و متعهد در شهر و زادگاه خودشان و در خانواده خود، احساس غربت و وحشت می کردند. بنابراین، شهید صدر در اندیشه تغییرات زیربنایی و اصلاحات اساسی، طرحی گسترده و وسیع در سه بخش اصلاحات فکری، اجتماعی و سیاسی تهیه کرد و به فکر اجرای آن افتاد.



اصلاحات فکری

شهید صدر دریافته بود که اندیشه اسلامی با تحدید و ستیز ضد اسلامی بی سابقه و بی نظیر از سوی جریان‌ها و مکتب‌های الحادی و مادی رو به رواست. این امر، فعالیت و کوشش جدید و تغییرات زیر بنایی و اساسی را در مقابله با این هجمه فرهنگی می‌طلبید و می‌بایست در این راه از روش و اسلوبی نو بهره برد تا موازنه مبارزه با الحاد در ابعاد اعتقادی و اجتماعی به نفع جبهه اسلام تغییر یابد و جامعه اسلامی از حالت انفعالی و سرخوردگی که بر مسلمانان حاکم بود، به حالتی تهاجمی و سپس تعقیب دشمن تبدیل شود. شهید صدر با درک این ضرورت، به دنبال آن بود که دوباره تفکر و اندیشه اسلامی، جایگاه مناسب خود را دریابد و بر کرسی ریاست و رهبری فکری و اندیشه جهان و انسان معاصر بنشیند. از این رو، طرح تغییرات و اصلاحات زیر بنایی فکری خود را بر پایه‌های زیر، بنا نمود:

۱. تجدید اندیشه اسلامی با حفظ اصالت اسلامی برگرفته از قرآن و سنت مطهر و عرضه آن با توجه به نیاز روز به گونه‌ای که پاسخگوی خواسته‌های انسان معاصر باشد.
۲. اصلاح و نوگرایی در روش آموزش و تعلیم و تربیت در حوزه‌های علمیه و پژوهشکده‌های اسلامی و نیز تغییر و پیشرفت در بحث‌های علمی مراکز علمی و دینی به نحوی که از لحاظ محتوا و ظاهر بر آورنده توقعات فردی و اجتماعی انسان معاصر باشد.
۳. ارائه و عرضه اسلام به عنوان مکتبی کامل و هماهنگ که از دیدگاه فلسفی مستحکمی با جهان و انسان سخن می‌گوید، با برهان و دلیل فلسفی و منطقی حمایت می‌شود، بر استقلال مکتب فکری اسلام تأکید می‌ورزد و از عکس‌العمل‌های انفعالی خود باخته‌های فرهنگ و تمدن غرب که سعی داشتند احکام اسلام را با خواسته‌های غربی‌ها و افکار غربزده همسو کنند، می‌پرهیزد.
۴. رویارویی علمی با افکار ضد اسلامی از طریق گفت‌وگوی منطقی و مستدل و اثبات سستی و وهن پایه‌های افکار غیر اسلامی و تضاد درونی و ناتوانی آن‌ها از تقدیم راه‌حل‌های موفق برای دردها، بیماری‌ها و گرفتاری‌های انسان معاصر.
۵. پرورش نسلی با نشاط، پر تحرک و اندیشمند از عالمان حوزوی و روشنفکران دانشگاهی و آشنا نمودن آنان با فرهنگ عمیق و تفکر نوین اسلامی و گسیلشان به میداین گفت‌وگو با جریان‌های تفکر الحادی و مادی.



اصلاحات اجتماعی

شهید صدر معتقد بود اصلاحات و تغییرات در وضع موجود اجتماعی که امت اسلامی در آن زندگی می‌کند، جز با دستگامی که رهبری جامعه را در دست داشته و مورد اعتماد مردم هم باشد، امکان ندارد. از سوی دیگر این دستگام باید از امکانات رهبری و فرماندهی برخوردار باشد تا بتواند اصلاحات مطلوب را در جامعه به وجود بیاورد و توان استمرار اصلاحات را هم داشته باشد. تنها دستگام و قدرتی که این قابلیت‌ها را یک جا داشته باشد، مرجعیت شیعه است که به منزله قلب تپنده امت مسلمان و محور فعالیت‌ها و تحرکات دینی - اجتماعی مسلمانان است. هر چند که دستگام مرجعیت، نیازمند اصلاحاتی درونی است تا از حالت محدود به نهادی مشرف بر تمام فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی مسلمین تبدیل شود. برای همین، شهید صدر در طرح اصلاحی خود پیرامون موضوع مرجعیت چنین گفته است:

«از مهم‌ترین شاخصه‌های مرجع صالح، آگاهی از اهدافی است که بر مرجع واجب است در راه رسیدن به آن اهداف - جهت خدمت بهتر به اسلام - گام بردارد. همچنین باید دارای چارچوبی واضح و مشخص برای رسیدن به این اهداف باشد. در این صورت، او مرجعی هدفمند و بیدار است که به جای پرداختن به مسائل فرعی و جانبی و جزئی به کارهای اساسی و نظام‌مند می‌پردازد.

مرجع صالح، قادر خواهد بود خدمت بهتری به اسلام ارائه کند و در رخدادهایی که پیش می‌آید، تغییراتی سازنده به نفع اسلام انجام دهد و از نفوذ خود به نفع اسلام استفاده نماید».^{۱۱}

از دیدگاه شهید صدر مهم‌ترین خصوصیت‌هایی که یک مرجع صالح باید داشته باشد، عبارتند از: ۱. آگاهی از اهداف؛ ۲. التزام و تعهد جدی برای رسیدن به اهداف؛ ۳. پیمودن راه و طی مراحل عملی که ضامن تحقق آن اهداف می‌باشد.

شهید صدر، اهداف مرجع صالح را در پنج بخش تدوین نموده است:

۱. نشر احکام اسلام میان مسلمانان در گسترده‌ترین سطح ممکن و سعی در جهت تربیت دینی یکایک افراد به گونه‌ای که التزام عملی به احکام اسلام را در رفتارهای فردی تضمین نماید.

۲. ایجاد جریان فکری گسترده در میان افراد امت که مفاهیمی همانند «اسلام نظامی است



کامل و فراگیر برای همه ابعاد زندگی» را در بر گیرد و همه روش‌ها را برای تحقق این مفاهیم، به کار آورد.

۳. تأمین نیازهای فکری - مذهبی جامعه از طریق برپایی جلسات بحث مذهبی، بررسی مسائل اقتصادی و اجتماعی، مقایسه اندیشه‌های اسلامی با سایر مکتب‌ها و ایسم‌ها و گسترش دامنه فقه اسلامی که بتواند پاسخگوی تمام ابعاد زندگی، باشد.

۴. کنترل و نظارت بر کار مبلغان در سراسر جهان اسلام و تأیید گفته‌های صحیح و تصحیح خطاهای آنان.

۵. واگذاری مسئولیت رهبری امت به مراکز و نهادهای علمی حوزوی - از مرجعیت گرفته تا کمترین مقام علمی - و تعهد، التزام و پاسخگو بودن این نهادها در رسیدگی به امور مردم و تأمین نیازهای مادی و معنوی فعالان این عرصه.^{۱۲}

شهید صدر بر این بود که آگاهی از اهداف مورد نظر، گرچه شرط اول مرجع صالح است؛ ولی این مقدار برای رسیدن به اهداف کافی نمی‌باشد، بلکه برای دست‌یابی به اهداف، باید دو گام عملی برداشت:

گام نخست. آمادگی عملی پیش از پذیرفتن رسمی مرجعیت؛ شهید صدر، در توضیح این مطلب گفته است:

«آمادگی عملی مجتهد برای پذیرفتن رسمی مرجعیت به این معنا است که پیش از پذیرش مرجعیت، باید پایگاهی مردمی داشته باشد و افراد معتقد را از لحاظ فکری و روانی آماده کند تا بهتر بتوانند به اسلام خدمت کنند و یار و کمک او باشند. از این رو، هر کسی که پیشگام اصلاحات مرجعیت می‌شود، لازم است پیش از تصدی مرجعیت این نکات را به کار گیرد. به کار نگرقتن و عمل نکردن به توصیه‌های گفته شده سبب می‌شود برخی عالمان، علی‌رغم صلاحیت‌شان، پس از تصدی مرجعیت، احساس ضعف و ناتوانی کامل از انجام کارهای بزرگ اصلاحی کنند؛ به دلیل این که پیش از تصدی مرجعیت، این نکات را به کار ننگرفته و اهداف مرجعیت را مرور و بررسی نکرده، پایگاه مردمی و عوامل اجرایی اهداف مرجعیت را پیشاپیش شناسایی ننموده و بر روی آن‌ها بررسی‌های کارشناسانه انجام نداده‌اند.»^{۱۳}

گام دوم. به روز در آوردن نهاد مرجعیت؛ نهاد مرجعیت، ناچار باید کارایی داشته باشد تا بتواند به صورت نهادی فعال در آید و ابزار و عوامل آن از عهده انجام وظایف برآیند و توان تحقق



اهداف مرجعیت را دارا باشند. این امر، تنها با ایجاد دو واحد ممکن است:

واحد نخست. ایجاد دفتری خاص جهت نظارت بر امور داخلی نهاد مرجعیت از طریق بهبود وضع داخلی، گماردن افراد متخصص جهت طرح و برنامه ریزی، به کارگیری نیروهایی جهت اعمال و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های داده شده و تقسیم کارها با در نظر گرفتن گنجایش‌ها، لیاقت‌ها و استعداد‌های ابزار و عوامل. این واحد جای حاشیه را در مرجعیت سنتی خواهد گرفت و ناگزیر شش کمیته را در خود جای خواهد داد:

۱. کمیته اشرف و نظارت بر وضع حوزه و هماهنگ نمودن حوزه با اهداف بیدار گرانه مرجعیت صالح و پیشبرد و اداره آن؛

۲. کمیته تولید علم و نظارت بر متون درسی؛ وظایف این کمیته عبارتند از: ایجاد دفاتر علمی - تخصصی جهت پیگیری درس و بحث‌های حوزه، پیگیری محصولات علمی حوزه، تشویق مستعدان و به کارگیری استعدادها.

۳. کمیته نظارت و اداره امور علما و روحانیون مناطق؛

۴. کمیته ارتباط نهاد مرجعیت با مناطق فاقد رابطه با نهاد و نیز ارتباط با دانشمندان و

شخصیت‌های علمی در سراسر جهان اسلام؛

۵. کمیته رسیدگی به فعالیت‌های سیاسی - مذهبی و بررسی کارهای انجام شده و حمایت و پشتیبانی از این فعالیت‌ها در سراسر جهان اسلام؛

۶. کمیته امور مالی و اشرف و نظارت بر درآمدها و مصارف.

واحد دوم. ایجاد دفتری عام جهت گسترش افق مرجعیت که نهاد مرجعیت را محوریت بخشد و تمام نیروها و امکانات مورد نیاز و متناسب با مرجعیت در سراسر جهان را به این نهاد سرازیر کند. برای این منظور مجلسی تشکیل می‌شود که علمای شیعه و نمایندگان مرجع و کمیته‌های یاد شده را در بر دارد. این مجموعه، نهاد مرجعیت را تشکیل می‌دهد و مرجع با مشورت و استعانت از این مجموعه، کار رهبری خود را ادامه می‌دهد. مجلس یاد شده، اضافه بر نقش مشورتی طرف رهبری، باید به عنوان بازوی مرجع در اجرای اوامر و محقق نمودن اهدافش عمل کند. ۱۴ در این صورت، مرجع خواهد توانست اهداف مطلوبش را عملی کرده و از این طریق اصلاحات مورد نظر خود را که همان اهداف اسلامی است، عملی سازد.



اصلاحات سیاسی

ایده شهید صدر در اصلاحات این بود که اصلاحات کلی در امت اسلامی جز از راه تطبیق شریعت و اجرای احکام خدا در زندگی روز مره مردم امکان ندارد. در این صورت، زمینه برای برپایی دولت اسلامی که متولی اجرای احکام اسلام در جامعه بشری و در تمام ابعاد زندگی است، آماده می شود. از این رو، باید مردم را از لحاظ سیاسی، فکری و عملی آماده نمود. این آمادگی از طریق آگاهی عمومی میسر می شود. شهید صدر با تأکید بر لزوم و ضرورت آگاه نمودن مردم، چنین گفته است:

«پس از آن که بشریت به درجه ای از بیداری و آگاهی رسید، اسلام مشعل نورانی هدایت بشر را به دوش کشید و ارزش های اخلاقی و معنوی را در گستره ای وسیع و دورترین افق نوید داد و بر این پایه، پرچم انسانیت را بر افراشت و دولتی بر اساس اندیشه برپا نمود که در ربع قرن، بر تمام جهان حاکم شد و همه بشریت را به توحید کلمه و کلمه توحید دعوت نمود و همگان را برگرد نظامی ارزشی بر پایه اندیشه و خرد که روش و نظام زندگی را در خود دارد، جمع کرد. بنابراین، حکومت اسلامی دو وظیفه دارد: یک؛ تربیت انسان بر اساس همان ارزش های معنوی و اخلاقی که اسلام بر آن ها تأکید دارد و مطابق با فطرت انسان می باشد. دو؛ مراقبت از رفتار و کردار مردم تا در صورت انحراف از راه، آن ها را ارشاد و به صراط مستقیم بازگرداند. از این رو، بیداری سیاسی اسلامی فقط سیاستی ظاهری نمی باشد، بلکه نوعی آگاهی عمیق است که به نگرش دقیق مکتب اسلام به جهان و زندگی و جامعه و سیاست و اقتصاد و اخلاق بر می گردد. این نگرش، در بردارنده معنای کامل آگاهی اسلامی است و هرگونه آگاهی و سیاستی که جدای از این نگرش باشد، یا سیاستی ظاهری و نگرشی سطحی به جهان است - که تعریفی برای دیدگاهش ندارد و مبتنی بر ایدئولوژی خاصی نمی باشد - و یا آگاهی سیاسی تک بعدی است که با یک دید مادی محض به جهان می نگرد و سبب دردسر و ستیز و درگیری برای دنیا می شود.»^{۱۵}

از مهم ترین موضوعات بیداری سیاسی اسلامی، باور به ضرورت ایجاد دولت اسلامی است که یگانه راه جاری سازی احکام اسلام در زندگی است. شهید صدر با درک این واقعیت و تأکید بر آن، می فرمود:

«حکومت اسلامی گاه از این جهت که یک ضرورت شرعی است و برای به پا داشتن احکام الهی بر روی زمین و به واقعیت رساندن نقش خلیفه اللّهی انسان است، مورد بررسی قرار می گیرد و گاه با در نظر گرفتن آثار عملی اجرای احکام اسلام و بر پانمودن فرهنگ اسلامی و امکانات بزرگی



که اسلام در اختیار دارد بررسی می شود. حکومت اسلامی با در نظر گرفتن این ویژگی ها است که از دیگر حکومت های تجربه شده متمایز است».

تا آن جا که می گوید:

«حکومت و دولت اسلامی فقط یک ضرورت شرعی نمی باشد بلکه اضافه بر آن ضرورتی فرهنگی، تربیتی و پرورشی است؛ زیرا تنها برنامه و یگانه نظامی است که می تواند انسان را به جایگاه واقعی اش برساند، استعدادهایش را شکوفا سازد، او را بر قله تمدن بنشاند، از گرفتاری ها و وابستگی ها نجاتش بخشد و از هدر رفتن نیروهایش جلوگیری نماید».^{۱۶}

آماده کردن و به فعالیت رساندن توان ها و نیروهای انسانی، دست کم از چهار راه امکان پذیر است:

اول. بازسازی و اصلاح نهاد رهبری و مرجعیت دینی؛ آن چنان که بتواند عهده دار رهبری

فکری و سیاسی امت اسلامی بشود.^{۱۷}

دوم. تربیت نیروهای مردمی مؤمن که ایمانی حقیقی و توأم با معرفت و فهم و درک مفاهیم داشته باشند و به جهان شمول بودن اسلام معتقد بوده، آن را نظام کامل و شاملی بدانند که تمام جوانب زندگی آدمی و سعادت دنیا و آخرت او را تأمین می کند.^{۱۸} تربیت این نیروها، حتماً باید آگاهانه و به گونه ای باشد که آماده جان فشانی و شهادت و پایداری در راه اهداف و منویات رهبری اسلامی تا محقق شدن اهداف باشند.

سوم. ایجاد هسته های آگاه و کار آمد و گسیل آن ها به میان مردم برای تربیت و توجیه آنان در

حمایت از اهداف سیاسی رهبری.^{۱۹}

چهارم. ایجاد تشکیلات اسلامی سازمان یافته و پویا که زیر نظر مستقیم مرجع و رهبر عمل کند، عهده دار اجرای اهداف و منویات رهبری باشد و در جهت تغییر اوضاع فاسد سیاسی موجود، تلاش نماید.

با این قصد، مرحوم شهید صدر در ماه ربیع الاول سال ۱۳۷۷ هـ. ق، اقدام به تأسیس «حزب

الدعوة الاسلامیة» نمود و اهداف و اساسنامه آن را در سه فصل تنظیم کرد:

۱. مرحله تأسیس حزب و تغییر در افکار امت.

۲. مرحله فعالیت سیاسی که با این مرحله، بیداری و آگاهی ملت و آشنایی با اهداف اسلامی،

سیاسی و تربیتی حزب و تعهد به حمایت از اهداف اسلامی حزب تضمین می گردد.

۳. مرحله تحویل قدرت.

به این مراحل، مرحله چهارمی نیز اضافه شده که مرحله مراعات مصالح اسلام و امت، پس از



تحویل گرفتن قدرت است .

شهید صدر عقیده اش بر این بود که شرایط استبداد سیاسی حاکم در بعضی از کشورهای اسلامی - به خصوص کشور عراق - می طلبد که مرحله اول و دوم را در هم ادغام نمود و یک جا عمل کرد .^{۲۰}

مهم ترین عملکرد و دست آورد شهید صدر

غالباً کسانی که فعالیت فکری دارند، از هر فعالیتی که سبب از هم پاشیدن افکار و به هم خوردن تمرکز فکری شود، پرهیز می کنند و در مقابل، کسانی که فعالیت سیاسی و انقلابی دارند، غالباً فعالیت فکری و محصلولی اندیشمندانه دارند؛ زیرا میان این دو نوع فعالیت، نوعی تضاد و تناقض وجود دارد: یکی می طلبد که در کنج خلوت تحقیق کند و دیگری می طلبد که در صحنه باشد و پر تحرك. اما، شهید صدر، به دلیل توانایی که در خود داشت، بر این تضاد فائق آمد و فعالیت های فکری و فرهنگی او مانع از فعالیت های سیاسی - اجتماعی اش نشد. این امتیاز منحصر به فرد او، سبب شد تا رهبری نهضت بیدارگری جامعه و فرماندهی انقلابی ملت را به عهده گیرد. صحنه ای که مقدر بود شهید صدر رهبری و فرماندهی انقلابی را تجربه کند، محدود به سرزمین عراق بود؛ اما رهبری فکری او محدود به سرزمین خاصی نبود، بلکه به وسعت همه سرزمین های اسلامی و غیر اسلامی و هر جا که مسلمانی بود، گسترش یافت.

آنچه در پی می آید خلاصه ای از عملکرد شهید صدر در زمینه فکری و عملی و کاربردی است که نخست عملکرد شهید صدر را در زمینه فکری طی چند فراز خلاصه می کنیم:

فراز اول. نوآوری در روش درس و برنامه ریزی درس های اسلامی

از بارزترین طرح های فکری شهید صدر، برنامه ریزی منطقی و کم نظیری بود که همانند آن را در میان دانشمندان کمتر می توان دید. شهید صدر، در برنامه ریزی فکر و استعداد توان مندی داشت. هیچ طرحی به او پیشنهاد نمی شد مگر این که آن را در قالبی زیبا و بسیار منظم و همخوان در می آورد. بسیاری وقت ها که می خواست، نظری یا مطلبی را نقد کند، نخست آن مطلب را بهتر از صاحب نظر بیان می کرد و سپس آن را به نقد می کشید.

مهم ترین سبک ها و طرح های ابداعی شهید صدر را می توان در این چند بند خلاصه نمود:

۱. میراث وحی را نظامی کامل می دید و بر این باور بود که اسلام در ابعاد اعتقادی و تشریعی

دارای نظامی کامل است .



۲. کشف نظریه منطق استقرایی که آن را مفصلاً در کتاب الاسس المنطقية للاستقراء آورده است و از آن در بحث های دینی در کنار استدلال به قیاس برهانی استفاده نموده است.
۳. آوردن مطالب در جملات و عباراتی واضح، روان، زیبا، دقیق و در عین حال آسان با رعایت تناسب ادبی و منطقی میان واژه ها و مفردات جمله ها.
۴. موشکافی منطقی (تحلیل) در اجزا و جزئیات و کشف رابطه منطقی میان آن ها.
۵. جدا نمودن موضوع های آمیخته به هم و حق هر مطلبی را با منطق ادا نمودن.
۶. در نظر گرفتن تمام احتمالات و فرض های ممکن درس و بحث و غافل نشدن از آن ها.
۷. ترتیب و دسته بندی مطالب بحث و تعیین جایگاه منطقی هر مطلب.

فراز دوم. طرح و بررسی منصفانه دیدگاه ها و نقد منطقی بحث های علمی

علی رغم این که پژوهشکده های علوم اسلامی و حوزه های علمیه از آغاز فعالیت علمیشان در قرن اول هجری تا امروز، بحث های علمی را در کنار طرح آرای دیگران می شناختند و تمام عالمان و مردان اندیشمند از این روش منحرف نشدند؛ لکن آنچه که شهید صدر در بحث های خود ارائه نمود، در نوع خود بی سابقه و بی نظیر بود؛ به ویژه آنچه که در دو کتاب اقتصادنا و فلسفتنا آورده است.

مکتب فکری شهید صدر را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. تأمل عمیق در افکار و نظرهای دیگران و دقت فراوان در بررسی آن ها.
۲. گسترش دایره بحث و توجه به تمامی ادله طرف مقابل در نقد و بررسی مکتب ها.
۳. رعایت روش منطقی متین در بررسی نظریه های دیگران که سبب دوری از روش تخریب، استهزا، نقد گزنده و امثال این ها می شود.
۴. استحکام پایه های مباحث علمی و تکیه بر مصادر مورد استناد طرف مقابل.
۵. برتری منطقی در بحث که از توان علمی شهید صدر نتیجه می گرفت و برای حریف راهی جز اقرار و تسلیم باقی نمی گذاشت.

فراز سوم. تلاش برای حل مشکلات بشر معاصر

از مهم ترین شاخصه هایی که محصولات فکری شهید صدر را از محصولات فکری





التیة النبویة: از آقا



دیگران امتیاز می بخشند، پیگیری جدی و حل مشکلات بشر معاصر و پیشنهاد راه حل های اسلامی است. از این منظر، تألیف های شهید صدر مانند اقتصادنا، فلسفتنا، البنك اللاروی، الاسلام یقود الحیة، الفتاوی الواضحة، دروس فی علم الاصول و الأسس المنطقية للإستقراء، هر کدام گوشه ای از مشکلات امروزین بشر را حل کرده است.

فراز چهارم. پویایی و نوآوری در دروس اسلامی

شهید صدر بیش از ربع قرن استاد «جامعة (پژوهشکده) النجف الاشرف» بود و به تدریس سطوح عالی می پرداخت. او در حوزه معارف اسلامی، به خصوص فلسفه و فقه و اصول کار تألیف و تولید را دنبال می کرد. از مهم ترین شاخصه های علمی شهید در این حوزه ها، احاطه، عمق، پویایی و نوآوری بود. شهید صدر، با درك میراث علمی گذشتگان و تحقیق در افکار و آرای معاصران، هر جا را که نیازمند اصلاح و نقادی می دانست، به تنقیح و اصلاح و نقد آن می پرداخت و نظریات جدید و پویای خود را بر آن ها می افزود. وی با آرا و افکار تکمیلی خود، مکتبی جدید با اسلوبی نو و متمایز از سایر مکاتب در حوزه فلسفه، فقه و اصول پدید آورد.

عمق افکاری که شهید صدر پدید آورد از یک سو، و نو بودن این اندیشه ها در برابر تفکر کلاسیک در دروس حوزوی از سوی دیگر، سبب شد تا افکار پویای شهید صدر در جو حوزه با کندی نفوذ کند و اثر بگذارد. به خصوص در دروس سطوح عالی - ولی اخیراً، افکار شهید صدر به دلیل نوآوری و پویایی، تدریجاً و در سطح وسیعی جایگاه خود را در لایه های مختلف حوزه پیدا کرده و قطعاً در آینده نزدیک شاهد گسترش و صادرات مکتب شهید صدر در زمینه اندیشه و تعقل در حوزه های علمیه و پژوهشکده های عالی اسلامی، خواهیم بود.

در این فرصت کم، امکان بررسی ویژگی ها و مشخصات مکتب فکری شهید صدر در زمینه های مختلف شناخت اسلامی وجود ندارد؛ اما در صدد آنیم تا با نگاهی گذرا به مکتب فکری شهید صدر، آن را در جزوه ای به نام «معالم الفكر الاصولی الجدید» گرد آوریم. در این جزوه، مقایسه کوتاهی میان، مکتب اصولی شهید صدر و شیخ انصاری نموده ایم و امیدواریم که اهل فن نیز





به این فکر برآیند تا در تمام زمینه‌ها، افکار شهید صدر را به بحث و بررسی بگذارند و با مقایسه آن با دیگر اندیشه‌ها عظمت، وسعت، عمق و تأثیر دست آوردهای فکری شهید صدر در ساختار جدید فکر اسلامی ظاهر شود.

مهم‌ترین دست آوردهای علمی شهید صدر را می‌توان به طور فشرده در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱. تربیت و پرورش هیئت‌های علمی - اخلاقی در حوزه علمی و خارج از حوزه که اثر بسیار مهمی در هدایت و توجیه حرکت‌های اسلامی و عموم مسلمانان با تمامی جریان‌های فکری و قومیت‌ها دارد.

۲. مصونیت بخشی و سالم‌سازی افکار روشنفکران مسلمان در مقابل تهاجم فرهنگی و افکار ملحدانه غربی‌ها به منظور بالا بردن میزان مقاومت آنان در برابر جاذبه‌ها و کشش‌هایی که غربی‌ها برای نفوذ تهیه نموده‌اند؛ همانند وسائل ارتباط جمعی و تبلیغی که شرق و غرب را در نور دیده است، توان علمی و تکنولوژی برتر که بر مراکز اقتدار سیاسی و دانشگاه‌های جهان تسلط یافته و دیگر جاذبه‌های مادی و اقتصادی سترگی که از آن‌ها در عملیات نفوذ و تحقق اهدافشان کمک می‌گیرند.

۳. تأسیس سازمان جنبش اسلامی (التنظیم الحركي الاسلامي) که یک جهش نوعی در تاریخ نهضت اسلامی به ویژه شیعه به حساب می‌آید.

۴. تهیه آیین‌نامه مفصلی برای نهاد مرجعیت صالح در پرتو طرح و پیشنهادهایی که در آن اساسنامه آمده است. متأسفانه مدت تصدی شهید صدر در مقام مرجعیت، طولانی نبود و با این‌که مرجعیت شهید صدر در پنج سال آخر عمر شریفشان مطرح شد؛ اما در حدی نبود که بتواند اهداف بزرگ مرجعیت را اجرا کند؛ به دلیل وجود مراجعی با سابقه طولانی و ریشه دار که طبعاً مانع از توسعه و انتشار مرجعیت شهید صدر می‌شد. اضافه بر این، موانعی که رژیم بعث حاکم بر عراق بر سر راه شهید صدر ایجاد می‌کرد و فشارهایی که در مقام تضعیف و محدود نمودن ایشان اعمال می‌نمود؛ از قبیل دستگیری و حبس نمایندگان ایشان در شهرستان‌ها و افزایش فشار بر کسانی که در راه تثبیت مرجعیت ایشان کمک می‌کردند، مانع دیگری در راه پا گرفتن مرجعیت شهید صدر به شمار می‌آمد.

۵. آغاز انقلاب اسلامی در عراق و رهبری آن؛ سپس ارائه تضمین لازم برای استمرار انقلاب با پایداری قهرمانانه در برابر طاغوت و تا سرحد شهادت.

نگاه ارزش‌گزاری به دست‌آوردهای شهید صدر

در نگاه ارزش‌گزاری به دست‌آوردهای فکری شهید صدر، به طور خلاصه می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

نکته اول. بی‌شک، دست‌آوردهای علمی-فکری شهید صدر که به جهانیان تقدیم نمود، با توجه به عمق مطالب، پویایی و نو بودن و تاثیر فراوان آن بر نهضت فکری اسلامی و درس‌های سنتی حوزه، از مهم‌ترین عواملی بود که سبب مصونیت فکری قشر روشنفکر و فرهنگی مسلمان، در مقابل تهاجم فرهنگی غربی‌های ملحد و افکار غربی شد و به مدد جامعه فرهنگی و روشنفکر مسلمان آمد و به او نیرو و آگاهی فکری لازم را رساند و او را قادر ساخت تا بتواند با عوامل اضمحلال و استحاله فکری-فرهنگی که از همه طرف او را احاطه کرده بود، مقابله کند. شرایط و عواملی که بر زندگی شهید صدر پس از فراغ از تالیف دو کتاب اقتصاددانا و فلسفتنا حاکم بود، معلوم نیست. در واقع نمی‌دانیم چه عوامل و اسبابی مانع شد تا شهید صدر از تکمیل سلسله بحث‌هایی که عزم بر اتمام آن‌ها داشت - به خصوص کتاب مجتمعتنا - علی‌رغم نیاز مبرم جامعه اسلامی بازماند. به هر روی، محرومیت امت اسلامی از وجود این شخصیت ممتاز، تاسفی پایان‌ناپذیر است! البته گمان می‌رود، عقب‌ماندگی سیاسی که بر برخی از اқشار مذهبی خواص حاکم بود، از یک سو و اوضاع خفقان‌آور سیاسی که بر کشور عراق حاکم بود، از سوی دیگر از مهم‌ترین عواملی بودند که مانع از به ثمر رسیدن این موسوعه شدند. بحث درباره جامعه اسلامی، متضمن نظریه حکومت اسلامی و ضرورت و وجوب برپایی این حکومت با ولایت فقیه عادل بود که مهم‌ترین ستون و پایه نظام حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهد. همه این‌ها دیوانگی حکام طاغوت و مستکبران کینه‌توز را بر ضد دین بر می‌انگیخت و آنان را به واکنش وادار می‌داشت. همچنان که عکس العمل کج فهمان احمق و ساده لوحان غافل و متحجر را نیز در پی داشت. این دو، همیشه دو روی یک سکه‌اند و برای مواجهه و مقابله با پیامبران و مکتب وحی دو تیغه یک قیچی‌اند. گرچه، گروه دوم ضررش بیشتر، اثرش قوی‌تر و خطرش شدیدتر است.

نکته دوم. گام بزرگی که شهید صدر در تاسیس «العمل الاسلامی» برداشت، بی‌شک جهشی عظیم بود که در تاریخ جنبش‌های اسلامی - به ویژه در میان شیعیان - بی‌سابقه و بی‌نظیر بود و تأثیری عمیق و رسا در هدایت و پایداری و توجیه جنبش‌های اسلامی داشت؛ اما در این باره، نکاتی را باید مد نظر داشت که به این شرح است:





۱. پایداری فعالیت های سازمان یافته اسلامی ممکن نیست مگر بر اساس اطاعت و پیروی منظم از رهبری و فرماندهی جنبش و همچنین اطاعت و فرمانبری از نمایندگان و عوامل فرمانده. طبق برنامه معین درون تشکیلاتی، باید اطاعت و پیروی بی چون و چرا باشد به ویژه در اوضاع خفقان آور سیاسی و در نظام های پلیسی شرور؛ همانند آنچه که بیشتر کشورهای اسلامی - به خصوص کشورهای عربی و بالخصوص کشور عراق - با آن مواجه هستند. هر جنبش سازمان یافته و تشکیلاتی که اصل اطاعت و پیروی بی چون و چرا را از رهبر نداشته باشد، قطعاً باشکست روبه رو می شود؛ خصوصاً هنگام درگیری با رژیم های دیکتاتوری و پلیسی.
 ۲. فعالیت های سازمان یافته موفق، در روزگار سلطه رژیم های پلیسی، جز با اطاعت و پیروی دقیق از فرمانده و نظارت پیوسته فرماندهی بر همه افراد عضو و هوادار، ممکن نیست. حراست از ساختمان سازمان و پایگاه های مردمی و هسته های فعال، جهت پیشگیری از هرگونه نفوذ عوامل دستگاه حاکم یا گروه های رقیب و یا سازمان های جاسوسی جهانی که بر اوضاع سیاسی جهان سلطه دارند، باید شدت یابد. بی شک، جهت پیشگیری از نفوذ در تشکیلات سازمان، گاهی می طلبد تا عناصر نفوذی یا مشکوک پاکسازی شوند و احیاناً افراد غیر منضبط و متخلف از مقررات، تنبیه و مجازات تشکیلاتی و درون گروهی شوند.
 ۳. فرماندهی تشکیلات، خصوصاً در اوضاع رویارویی با رژیم های دیکتاتوری و شرور؛ مانند رژیم حاکم بر عراق باید اوضاع امنی برای خود ایجاد کند تا بتواند از این طریق سازمان را به نحو احسن اداره کند و فرماندهی حکیمانه خود را اعمال نماید تا با دقت کامل و موضوع بندی قراها با سران و اعضای سازمان - جهت توجیه، سرکشی و دلجویی، پیگیری کارها، علاج سریع و رفع نقص - ارتباط هر چه آسان تر و راحت تر و در امنیت کامل برقرار شود.
 ۴. فرماندهی تشکیلات باید وقت کافی جهت اداره و نظارت مستقیم بر برنامه ها داشته باشد و خود را برای این مهم وقف کند.
- کار تشکیلاتی و سازمان یافته - اسلامی و غیر اسلامی - باید بر این چهار پایه استوار باشد تا فرمانده و مسئول بتواند نقش خود را به بهترین وجه ایفا کند و به اهداف مورد نظر برسد و الا نتیجه معکوس خواهد داشت، اهداف پیش رو دگرگون خواهد شد و نفوذی ها و عوامل بیگانه از یک سو و بی تدبیری و رفتارهای خود سرانه اعضا و هواداران از سوی دیگر، نقشی تخریبی، بازی خواهند نمود که ممکن است گاهی منجر به نتایج ناپسند شود. فرصت طلبی عوامل سازمان امنیت جهت

کشف و شناسایی هسته های فعال تشکیلات و تعقیب آن ها، راه را برای یورش و حمله غافلگیرانه بر کل تشکیلات و دستگیری همه اعضای سازمان هموار کرده و در نتیجه پیش از آن که فرماندهی تشکیلات فرصت محاسبه و نقشه مقابله را پیدا کند، هرگونه فعالیت مذهبی و سیاسی به بهانه مبارزه با آشوب و اخلال در امنیت ملی یا مبارزه با تروریسم و امثال آن، محو و سرکوب می شود.

بی تردید، حتی یکی از شرط های تشکیلاتی مذکور، در نهضت شهید صدر مهیا نبود؛ ولی در عین حال با نبود امکانات، اقدام به نهضت و فداکاری نمود و بنا بر اصل: «مالا یدرک کله لا یترک بعضه» و با توجه به اوضاعی که بر صحنه اسلامی عراق حکم فرما بود، لازم دید که فعالیتی منظم به وجود آید تا از یک سو تربیت و آموزش گروه هایی را به عهده گیرد که بتوانند مسئولیت هایی را بر دوش بکشند و از سوی دیگر مردم را برای عمل به مسئولیت هایشان آماده سازد و در نهایت نهاد مرجعیت را با حمایت های مردمی و دانشگاهی تقویت نماید.

نکته سوم. زمانی که شهید صدر نهضتش را در عراق آغاز نمود، هنوز مرجعیتش فراگیر نشده بود و پایگاه مردمی آن چنان که باید گسترده نبود تا بتواند همانند مرجعیت عام تصمیم نهایی را او بگیرد؛ اما شکی نیست که شهید صدر در آن زمان، راهی جز قیام و نهضت در مقابل دیکتاتور نداشت و با صراحت کامل در مقابل دیکتاتور ایستاد. او برای شکستن جوترس و وحشتی که رژیم در سایه آن خود را بر ملت عراق تحمیل کرده بود و جهت باز نمودن راه برای انقلابیون و ادامه کارهای انقلاب اسلامی تا رسیدن به نتیجه مطلوب، قیام کرد. اگر برخورد شجاعانه شهید صدر نبود، نهضت و انقلاب اسلامی عراق در نطفه خفه می شد و دیکتاتور عراق، اسلام را از عراق ریشه کن می کرد. دیکتاتوری که سایه سنگین خود را بر ملت عراق افکنده بود، اگر در اهداف شوم خود موفق می شد، ملت عراق قرن ها طعم زندگی را نمی توانست بچشد.

نکته ای که در این جا نمی توان از آن گذشت، ضعف مرجعیت - علی الاطلاق - در عراق بود. حمایت نکردن مراجع از موضع گیری های انقلابی شهید صدر، سبب چند دستگی مواضع دینی در سخت ترین اوضاع رویارویی با رژیم شورو شد که در نهایت، عدم حمایت و یاری توده مردم را از مواضع انقلابی شهید صدر به دنبال داشت. چنان چه این موضوع گیری ها اتفاق می افتاد، همه جامعه و اجتماع را به لرزه در می آورد و آثارش - حتی - در نیروهای مسلح و حزبی ها همانند دیگر گروه های مردم دیده می شد. یقیناً در مزه بودن و حسن نیت مرجعیت نمی توان شک کرد؛ اما این سبب نمی شود که نسبت به آنچه مرجعیت - علی الاطلاق - در آن روزگار دچارش بود؛ همانند ضعف آگاهی و موضع گیری سیاسی - که آثاری منفی بر نهضت اسلامی عراق و بلکه تمام منطقه گذاشت - اظهار تأسف نکنیم.



□ پی نوشت ها:

* این مقاله، از مقالات برگزیده همایش نجف اشرف است که مرکز «کربلاء للبحوث والدراسات» در سال ۱۴۲۰هـ، آن را برگزار کرده است. مقاله های برگزیده این همایش، در کتابی با نام النجف الاشرف إسهامات فی الحضارة الانسانية به چاپ رسیده که مقاله حاضر، در جلد اول آن آمده است.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ محسن اراکی، نویسنده این مقاله، از شاگردان شهید صدر بوده و از استادان سطوح عالی حوزه به شمار می رود. وی هم اکنون ریاست مؤسسه اسلامی لندن را برعهده دارد.

۱. سنوات المحنة و ایام الحصار، شهید صدر، ص ۴۲.
۲. مقدمه حلقه اول از کتاب دروس فی علم الاصول، ص ۴۷.
۳. مقدمه مباحث الاصول، ج ۱، ص ۵۲.
۴. همان، ص ۴۳.
۵. اقتصادنا، مقدمه چاپ اول، ص ۲۷ و ۲۸.
۶. برای آگاهی از این طرح ر. ک: مقدمه جزء اول از قسم دوم کتاب مباحث الاصول، سید کاظم حائری، ص ۹۲.
۷. همان، ص ۱۴۶.
۸. همان، ص ۹۲.
۹. همان، ص ۱۵۰.
۱۰. همان، ص ۱۵۳.
۱۱. همان، ص ۹۲.
۱۲. همان، ص ۹۳.
۱۳. همان، ص ۹۳ و ۹۴.
۱۴. همان، ص ۹۶.
۱۵. مقدمه فلسفتنا، ص ۵۱ و ۵۲، چاپ ۱۲.
۱۶. منابع القدرة الاسلامية، ص ۵.
۱۷. مقدمه مباحث الاصول، سید کاظم حائری، ص ۹۳.
۱۸. همان، ص ۹۲.
۱۹. همان، ص ۹۳.
۲۰. همان، ص ۹۰ و ۹۱.

